

بررسی کانی‌سازی، دگرسانی و میانبارهای سیال ذخیره مس تخت‌گنبد (شمال‌شرق سیرجان، جنوب‌شرق ایران)

محمد صالحی تینونی^۱، علی عابدینی^{۲*}، علی اصغر کلاگری^۳

۱- سازمان زمین‌شناسی کشور، اداره کل جنوب شرق کشور، کرمان، ایران

۲- گروه زمین‌شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

۳- گروه علوم زمین، دانشکده علوم طبیعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

(دریافت مقاله: ۹۹/۱/۲۰، نسخه نهایی: ۹۹/۳/۱۲)

چکیده: ذخیره مس تخت‌گنبد در ۶۳ کیلومتری شمال‌شرق شهرستان سیرجان، جنوب‌شرق ایران واقع است. کانی‌سازی درونزاد در این ذخیره به شکل رگه-رگچه‌ای داربستی و رگه‌های ضخیم کوارتزی رخ داده است که توسط توده میکروگرانودیوریتی الیگو-میوسن و مواد آذرآوری (به طور عمده توف با ترکیب حدواسط) ائوسن میزبانی می‌شود. رگه-رگچه‌های داربستی دربردارنده سه نسل کانی‌سازی (۱) کوارتز + مگنتیت ± کالکوپیریت، (۲) کوارتز + کالکوپیریت + پیریت ± مگنتیت و (۳) کوارتز + پیریت + کالکوپیریت هستند. دگرسانی فلیک بیشتر در سنگ‌های دیواره پیرامون رگه-رگچه‌های داربستی گسترش یافته است. کانی‌سازی برونزاد در این ذخیره با جانشینی سولفیدهای آهن‌دار توسط هماتیت و گوتیت مشخص می‌شود. همچنین، تشکیل مالاکیت، آزوریت و مس طبیعی در جریان تخریب سولفیدهای درونزاد آهن و مس در شرایط اکسایشی رخ داده است. بررسی میانبارهای سیال در بلورهای کوارتز موجود در رگه-رگچه‌های کوارتزی نشان داده که آنها بیشتر از نوع مایع+گاز+جامد (L+V+S)، مایع+گاز (L+V) و گاز+مایع (V+L) بوده و دارای دمای همگنی در گستره ۱۴۶ تا ۴۵۰ درجه سانتی‌گراد و شوری ۰/۳۵ تا ۵۷/۸ درصد وزنی معادل نمک طعام هستند. فازهای جامد شامل هالیت، سیلویت و کانی‌های تیره هستند. میانبارهای سیال مورد بررسی در رگه‌های کوارتزی ضخیم از نوع L+V بوده و دارای دمای همگنی در گستره ۲۰۷ تا ۳۴۴ درجه سانتی‌گراد و شوری ۰/۳۵-۳/۳۹ درصد وزنی معادل نمک طعام هستند. بر اساس نتایج ریزدماسنجی میانبارهای سیال، جوشش سیال‌های ماگمایی عامل مؤثر در نهشت کانی‌های کانسنگی و باطله در رگه-رگچه‌های داربستی است. همچنین سردشدگی و آمیختگی سیال‌های جوی و ماگمایی علت نهشت کانی‌ها در رگه‌های ضخیم کوارتزی هستند. در کل، یافته‌های به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهند که روند تشکیل و تکامل سامانه گرمایی تخت‌گنبد بیشترین شباهت را به سامانه‌های مس پورفیری دارد.

واژه‌های کلیدی: تخت‌گنبد؛ کمربند مس کرمان؛ کانی‌سازی؛ دگرسانی؛ میانبارهای سیال؛ مس پورفیری.

مقدمه

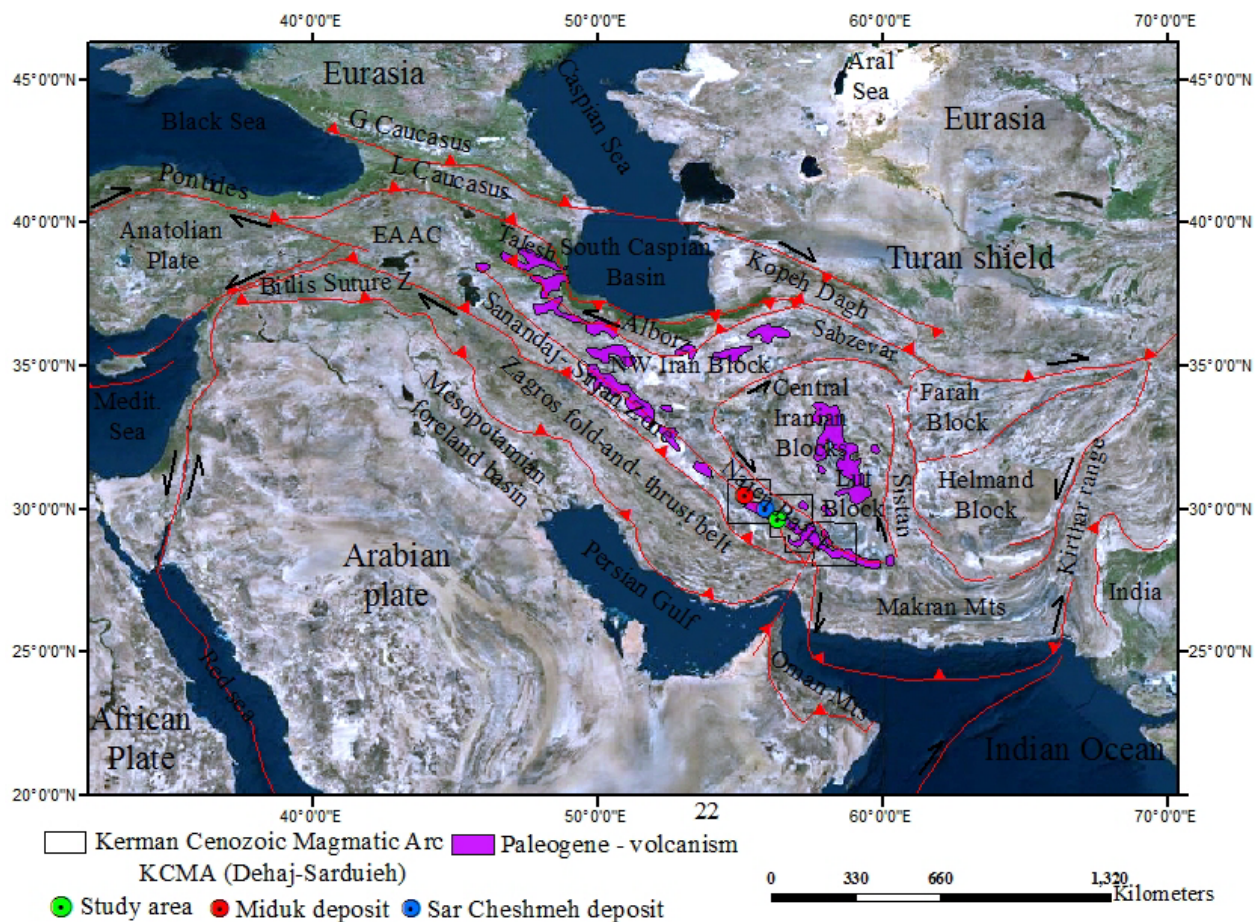
ذخیره تخت‌گنبد را در بر دارد [۱-۳] (شکل ۱). این کمربند به کمربند فلززایی دهج - ساردوئیه نیز معروف است [۴-۶]. کمان ماگمایی سنوزوئیک کرمان به طور عمده مجموعه سنگ-های آذرین خروجی ائوسن تا الیگوسن - کواترنر و نفوذی بیشتر الیگوسن تا میوسن را شامل می‌شود [۴-۷] (شکل ۲). شکل

استان کرمان یکی از مناطق معدنی کشور به شمار می‌رود که غنی‌ترین بخش آن کمربند فلززایی مس کرمان یا کمان ماگمایی سنوزوئیک کرمان است که ذخایر بزرگی از جمله مس پورفیری سرچشمه (رفسنجان) و میدوک (شهر بابک) همراه با

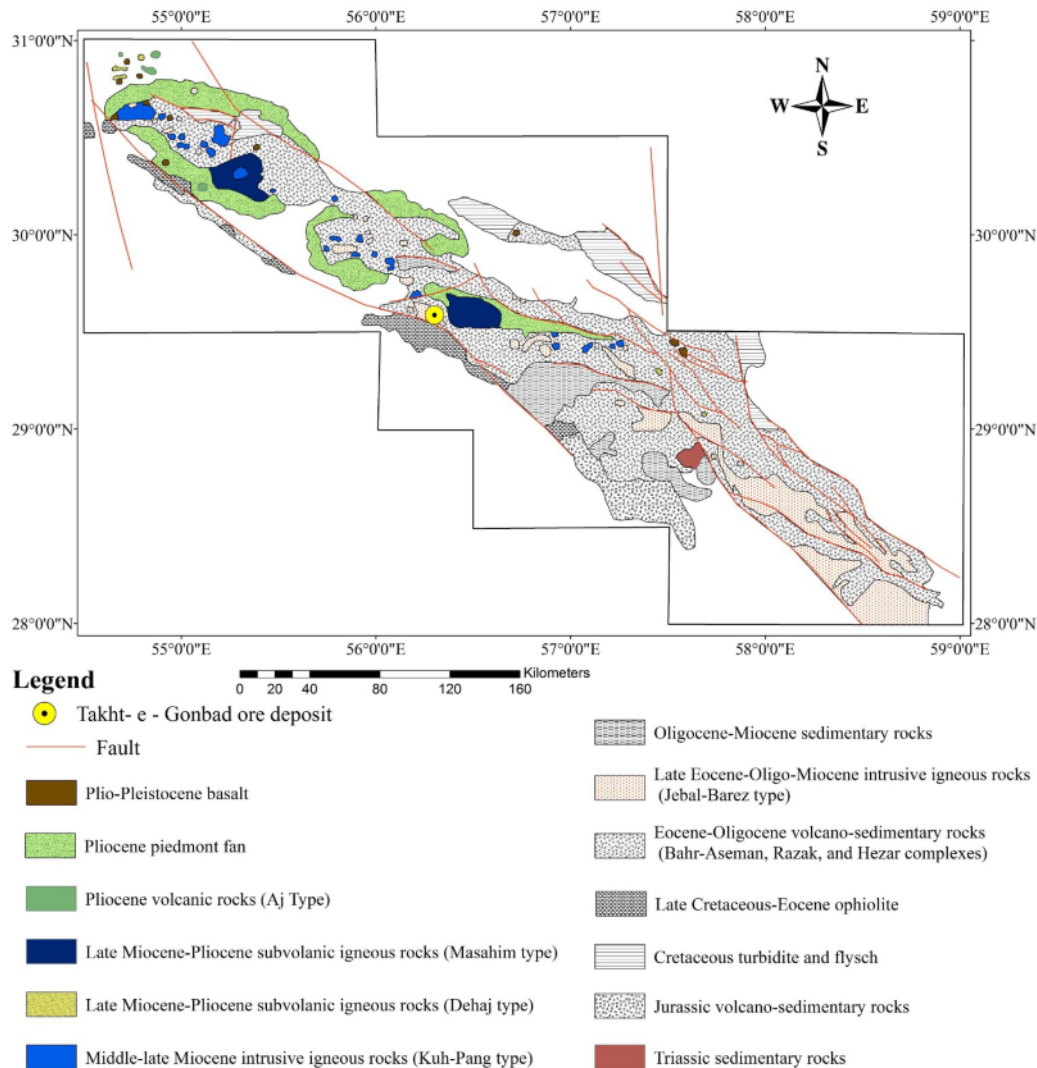
است.

کانی‌سازی مس تخت‌گنبد (با طول و عرض جغرافیایی به ترتیب $4^{\circ} 18' 59''$ و $13^{\circ} 35' 29''$) از ذخایر حاضر در این کمربند است (شکل‌های ۱ و ۲) که در ۶۳ کیلومتری شمال-شرق شهر سیرجان در استان کرمان واقع است. این کانی‌سازی نخستین بار توسط ندیمویچ [۱۱] بررسی شد. در چند سال اخیر پیجویی تفصیلی پیرامون کانی‌سازی توسط شرکت مس تخت‌گنبد سیرجان [۱۳] انجام شده و ذخیره قطعی حدود ۵۰ میلیون تن با عیار ۰/۳ تا ۰/۵ درصد مس برای آن تعیین شده است. این ذخیره اکنون به عنوان معدن تخت‌گنبد در حال بهره‌برداری است. در این پژوهش، بر اساس بررسی‌های کانی-شناسی، بافت، دگرسانی و میانبارهای سیال، سازوکار نهشت کانسنگ‌ها و نوع کانی‌سازی در سامانه تخت‌گنبد ارزیابی شد.

گیری این کمان ماگمایی در ارتباط با فروانش پوسته اقیانوسی نئوتیس به زیر خرد قاره ایران مرکزی است [۸، ۹]. عمده واحدهای آذرین خروجی در این کمان شامل بازالت، تراکی-بازالت، آندزیت، تراکی‌آندزیت، داسیت و ریوداسیت، و سنگ‌های آذرین نفوذی شامل دیوریت، کوارتز دیوریت، کوارتز مونزونیت، گرانودیوریت و گرانیت هستند [۵، ۱۰]. ظهور سنگ‌های نفوذی و سیال‌های گرمایی برآمده از آن عامل شکل‌گیری ذخایر پورفیری و رگه‌ای با بیش از ۲۰۰ اثر کانی‌سازی در کمربند ماگمایی سنوزوئیک کرمان بوده است [۱۱، ۱۲]. ذخایر پورفیری موجود در ارتباط با استوک‌های گرانیتوئیدی نوع I بوده و سیال‌های مؤثر در کانی‌سازی این ذخایر دارای شوری و دمای بالا با خاستگاه ماگمایی بوده‌اند. ظهور دگرسانی‌هایی چون فیلک در بسیاری از این ذخایر بیانگر ورود سیال‌های جوی به سامانه گرمایی در مراحل آخر تکامل سامانه



شکل ۱ نقشه پهنه‌های زمین‌ساختاری ایران به عنوان بخشی از کمربند کوهزادی آلپ - هیمالیا و موقعیت کمربند دهج - ساردوئیه (کمان ماگمایی سنوزوئیک کرمان، KCMA) بر محیط‌های آذرین پالئوژن، بر گرفته از مرجع [۲، ۳] با کمی تغییرات.



شکل ۲ سنگ‌شناسی ساده شده کمر بند ماگمایی سنوزوئیک کرمان [۱] که موقعیت ذخیره تخت گنبد در آن نشان داده شده است.

زمین شناسی

کانی‌سازی تخت‌گنبد در منطقه معدنی چهارگنبد (نقشه ۱/۱۰۰۰۰۰ چهارگنبد [۱۴، ۱۵]) واقع است. زمین‌شناسی ناحیه‌ای این منطقه معدنی شامل مجموعه‌ای از سنگ‌های آذرین، آذرآواری و جریان گدازه‌ای از نوع اشباع از سیلیس با ترکیب مافیک تا فلسیک با گرایش شبه تولئیتی-آهکی قلیایی است [۱]. این مجموعه شامل بازالت، آندزیت، تراکی آندزیت، ریوداسیت، توف و آگلومرا با میان لایه‌هایی از سنگ‌های رسوبی است [۴، ۵، ۱۴، ۱۶، ۱۷].

واحدهای سنگی میزبان دگرسانی و کانی‌سازی مس تخت-گنبد شامل سنگ‌های آذرآواری ائوسن از جمله بلور توف آندزیت، بلور توف داسیت و توف سنگی با میان لایه‌هایی از

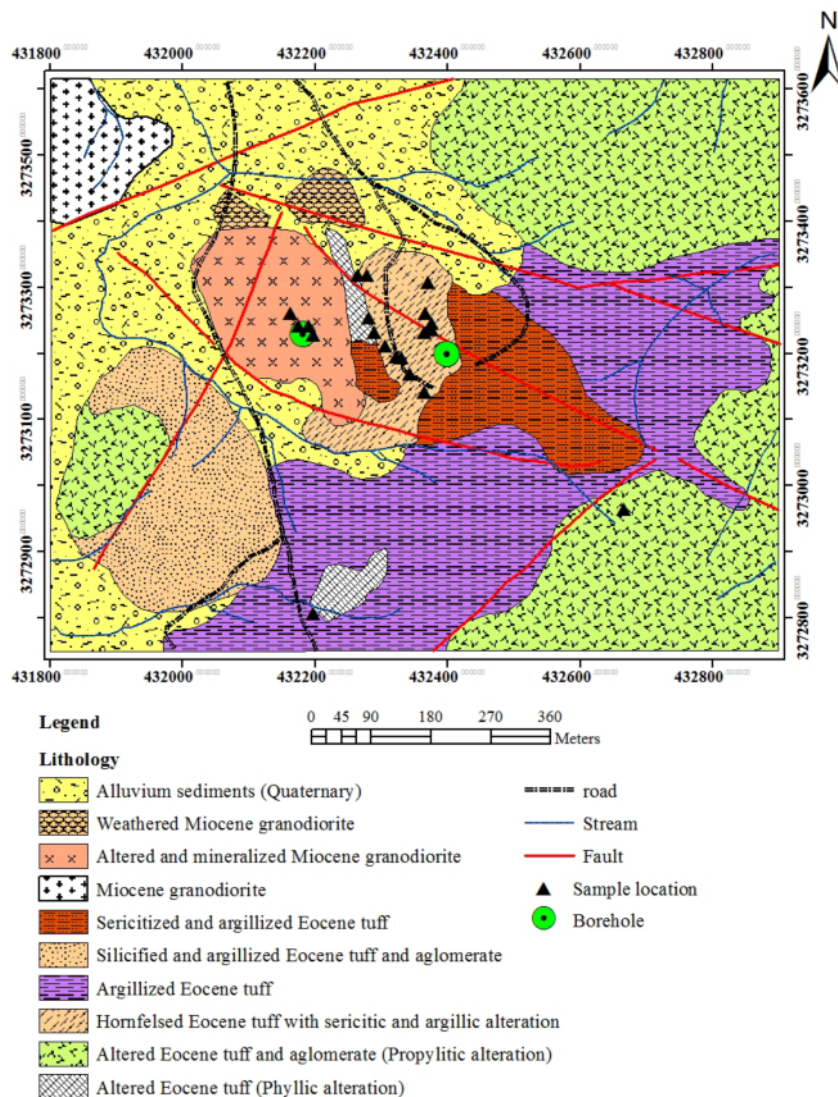
واحدهای رسوبی کربناتی و کنگلومرایی هستند. از مهمترین سنگ‌های میزبان می‌توان به توده نفوذی میکروگرانودیوریت-داسیت پورفیری میوسن اشاره نمود که بر واحدهای خروجی ائوسن اثر گذاشته است. به واسطه دگرگونی مجاورتی ناشی از این توده در بخش‌هایی، واحدهای آذرآواری (بیشتر توف) هورنفلسی شده‌اند. این توده نفوذی به احتمال بسیار عامل اصلی کانی‌سازی تخت‌گنبد است. سرشت نفوذی کانی‌سازی شده تخت‌گنبد و بسیاری از توده‌های نفوذی الیگوسن تا میوسن در منطقه معدنی چهارگنبد آهکی قلیایی نوع I بوده و به کمان آتش‌فشانی کرانه قاره‌ای ارومیه-دختر (ارومیه-بزمان) وابسته است [۱۶، ۱۷]. بر اساس بررسی‌های صحرایی، کانی‌سازی در ذخیره تخت گنبد به طور عمده از نوع رگه-

صحرايي، تعداد ۹۰ نمونه سنگي از رگه- رگچه‌هاي کاني‌سازي شده، بخش‌هاي دگرساني و سنگ ميزبان آنها جمع‌آوري شد. از بين آنها، تعداد ۵۰ نمونه براي بررسي‌هاي سنگ‌شناسي و کانه-نگاري انتخاب شده و ۳۰ مقطع نازک و ۲۰ مقطع صيقلی تهيه و با میکروسکوپ نوري عبوري- بازتابي زاپس مدل Axioplan2 در اداره کل سازمان زمين‌شناسي و اکتشاف معدني جنوب شرقي (کرمان) مطالعه گرديدند. براي بررسي دقيق دگرساني‌هاي همراه با کانه‌زايي، تعداد ۱۰ نمونه با استفاده از پراش‌سنج پرتو ایکس (XRD) در مرکز تحقيقات فراآوري مواد معدني ايران (کرج) تجزيه قرار شد که نتايج آن در جدول ۱ آورده شده‌اند.

رگچه‌اي داربستي بوده که توسط مناطق دگرساني فيليک (در عمق) و دگرساني رسي- فيليک (در مناطق سطحي) در بر گرفته شده است. رگه‌هاي ضخيم کوارتزي از ديگر نموده‌هاي بسيار مشخص در منطقه کاني‌سازي و قطع کننده دگرساني فيليک است که به نظر مي‌رسد که در مرحله بعدي کاني‌سازي نسبت به رگه- رگچه‌هاي کوارتزي شکل گرفته‌اند. در شکل ۳، نقشه زمين‌شناسي کاني‌سازي منطقه تخت‌گنبد نشان داده شده است.

روش بررسي

اين پژوهش در دو بخش صحرايي و آزمايشگاهي انجام شد. در بخش صحرايي، پيمائش‌هايي به منظور شناسايي واحدهاي سنگي و بررسي روابط آنها صورت گرفت. بر اساس بررسي‌هاي



شکل ۳ نقشه زمين‌شناسي منطقه کاني‌سازي تخت‌گنبد، برگرفته از مرجع [۱۳] با کمی تغييرات.

جدول ۱ نتایج به دست آمده از پراش پرتو X (XRD) نمونه‌های پهنه دگرسانی ذخیره تخت گنبد. (H: هورنفلس، Po: پتاسیک، Pr: پروپیلیتیک، S: سیلیسی، Ph: فیلیک، و Ca: کربناتی شدن).

کانی	Tg-1.Pr	Tg-6.H	Tg-8.S	Tg-9.Ph	Tg-10.Ca	TH-4.Po	TH-10.Po	TH-11.Po	TL-7.Ph	TL-11.H
اورتوکلاز						x	x	x		
کوارتز	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x
کلسیت		x	x	x	x					
مسکوویت				x					x	
اپیدوت	x									
ایلیت		x		x					x	
کلینوکلر										x
آلبیت		کم				کم	کم	کم		کم
آناناز				x						
کانولینیت	x				x			x	x	
دیکیت						x				
پیریت	x									
سیدریت					x				x	
دولومیت	x				x					
آنکریت										
دیوپسید		x								x
آندزین		x								
مونت‌موریلونیت		x								
مگنتیت			x					x		
کالکوپیریت				x						
پیریت				x					x	x
هماتیت			x		x	x	x	x		
گویت			x				x			

فیلیک و رسی هستند. دگرسانی‌ها دارای پهنه‌بندی نمایانی هستند به طوری که دگرسانی فیلیک در مرکز سامانه و دگرسانی پروپیلیتیک در بخش لبه‌ای واقع است. دگرسانی فیلیک در بخش‌هایی در عرض دگرسانی رسی بوده است. اسکارنی شدن در فاصله دورتری نسبت به مرکز سامانه قرار دارد و در گستره دگرسانی پروپیلیتیک قابل مشاهده است.

رخداد دگرسانی فیلیک با حضور پیریت فراوان (بیش از ۱۰٪)، سریسیت و کوارتز قابل تشخیص است (شکل ۴ الف). سنگ‌های میزبان این دگرسانی شامل واحدهای آذرآواری (توف و توف سنگی) و توده نفوذی میکروگرانودیوریت- داسیت پورفیری هستند. جانشینی سریسیت و کوارتز به جای فلدسپارها، و ترکیب آهن آزاد شده از ساختار کانی‌های تیره از جمله آمفیبول و بیوتیت با گوگرد اضافه شده به سامانه توسط سیال‌های گرمابی و تشکیل پیریت از عوامل اثرگذار در تشکیل پهنه دگرسانی فیلیک در سامانه کانی‌سازی تخت‌گنبد محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد که دگرسانی رسی همراه با دگرسانی فیلیک ناشی از محلول‌های برونزاد و تشکیل رس‌های ثانویه

برای بررسی میانبارهای سیال، تعداد ۸ نمونه مناسب از رگه‌های کوارتزی و رگه-رگچه‌های کوارتزی کانی‌سازی شده برداشت شدند. پس از تهیه مقاطع دوبر صیقل و بررسی‌های سنگ‌نگاری آنها، ۴ مقطع مناسب برای ریزدماسنجی میانبارهای سیال انتخاب شده و پارامترهای دمایی لازم با استفاده از دستگاه سرمایش و گرمایش Likam مدل THMS600 و میکروسکوپ نوری زایس در مرکز تحقیقات فرآوری مواد معدنی ایران اندازه‌گیری شدند. نتایج این اندازه‌گیری‌ها بر اساس روش مرجع [۱۸] در جدول ۲ ارائه گردیده است. واسنجی دستگاه در مرحله گرمایش تا دمای ۴۱۴ درجه سانتی‌گراد برابر با ± 0.6 با ماده استاندارد نیترات سزیم و در مرحله سرمایش تا دمای 94.3°C برابر با ± 0.2 با مایع استاندارد هگزان نرمال (ان هگزان) بود.

نتایج و بحث

دگرسانی

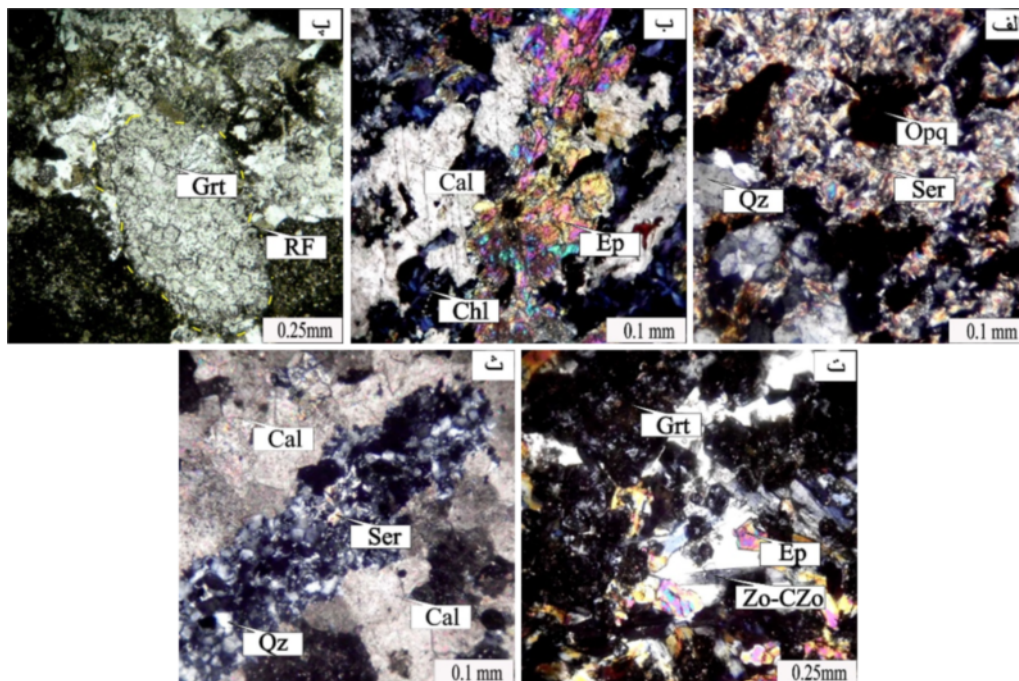
دگرسانی و کانه‌زایی متنوعی در منطقه ذخیره مس تخت‌گنبد رخ داده است که شامل اسکارنی شدن، دگرسانی پروپیلیتیک،

این اساس، دگرسانی رسی سامانه مس تخت گنبد می تواند دارای دو خاستگاه درونزاد و برونزاد باشد. دگرسانی پروپیلیتیک در فاصله دورتری نسبت به مرکز سامانه قرار دارد که ناشی از دگرسانی پلاژیوکلاز به اپیدوت و کلسیت، هورنبلند به کلریت، اپیدوت و گاهی کلسیت است (شکل ۴ ب).

(دگرسانی سریسیت به کانی های رسی از جمله کائولینیت) باشد. این در حالی است که در برخی از مقاطع مورد بررسی و نتایج به دست آمده از تجزیه های XRD (جدول ۱)، کانی های رسی از جمله ایلیت در کنار پیریت اولیه قرار دارند که بیانگر اثر سیال های گرمابی در گسترش این پهنه دگرسانی است. بر

جدول ۲ نتایج ریزدماسنجی میانبارهای سیال در رگه- رگچه های داربستی و رگه های ضخیم کوارتزی سامانه کانی سازی تخت گنبد. (Th = دمای همگنی، Tm (NaCl) = دمای ذوب نمک طعام، Tm (ic) = دمای ذوب یخ، Te = دمای نخستین ذوب یخ (همگدازی)، n = تعداد میانبار مورد بررسی).

نمونه	کانی	نوع میانبار		Th (°C)	Tm (NaCl) (°C)	Te (°C)	Tm _{ic} (°C)	شوری (wt% NaCl Eq)
FTG2-1	کوارتز از رگه های کوارتزی ضخیم	اولیه	L-V (n = ۱۲)	۲۸۰-۲۲۵	-	-۲۱ تا -۳۰	-۰٫۳ تا -۲	۰٫۵۳ - ۳٫۳۹
FTG2-2	کوارتز از رگه های کوارتزی ضخیم	اولیه	L-V (n = ۱۴)	۳۴۴ - ۲۰۷	-	-۲۱ تا -۳۰	-۰٫۲ تا -۰٫۶	۰٫۳۵ - ۱٫۰۵
FTL6-1	کوارتز از رگه- رگچه های کوارتزی داربستی	اولیه	L-V-S (n = ۱۲)	۳۶۴ - ۱۸۲	۳۶۲ - ۱۹۵	-	-	۳۱٫۳۸ - ۴۲٫۶۵
FTL6-2	کوارتز از رگه- رگچه های کوارتزی داربستی	اولیه	L-V-S (n = ۱۰)	۳۸۳ - ۱۴۶	۴۸۶ - ۱۳۸	-	-	۲۹٫۲ - ۵۷٫۸
			L-V (n = ۲)	۳۴۵ - ۲۷۸	-	-	-۱٫۵	۲٫۵۷
			V-L (n = ۳)	۴۵۰ - ۴۲۰	-	-	-۲	۳٫۳۹



شکل ۴ تصاویر میکروسکوپی از دگرسانی ها و واحد اسکارنی ذخیره تخت گنبد: الف) دگرسانی فیلیک با حضور کوارتز (Qz)، سریسیت (Ser) و کانی های تیره (Op). (نور قطبیده متقاطع XPL)، ب) دگرسانی پروپیلیتیک با حضور کانی های اپیدوت (Ep)، کلریت (Chl) و کلسیت (Cal). (نور XPL)، پ) قطعه کربناتی اسکارنی شده با حضور گارنت (Grt) و قطعه سنگ کربناتی (RF). (نور قطبیده صفحه ای PPL)، ت) اسکارنی شدن با حضور گارنت (Grt)، اپیدوت (Ep) و زئیزیت- کلینوزئیزیت (Zo-Czo). (نور XPL) و ث) جانیشینی دگرسانی فیلیک توسط دگرسانی کربناتی که در آن سریسیت (Ser)، کلسیت (Cal) و کوارتز (Qz) قابل تشخیص است. (نور XPL) نشانه های اختصاری کانی ها برگرفته از مرجع [۱۹] هستند.

از دیگر رخدادهای گرمایی در منطقه ذخیره تخت‌گنبد می‌توان به اسکارنی‌شدن (از نوع اسکارن بیرونی) اشاره کرد. به علت ضخامت کم لایه‌های کربناتی (با سن ائوسن)، گسترش توده‌های اسکارنی محدود بوده و با کانی‌سازی چندانی همراه نیست. در این منطقه، اسکارنی‌شدن افزون بر لایه‌های کربناتی، بر سنگ‌های تخریبی گنگومرایی با قطعه‌های کربناتی نیز اثر داشته است (شکل ۴ پ). عمده کانی‌های شکل گرفته در توده‌های اسکارنی شامل گارنت، زوئیزیت، کلینوزوئیزیت و کلسیت هستند (شکل ۴ ت) که نشانگر اضافه‌شدن سیلیس توسط سیال گرمایی به سامانه است [۲۰]. دگرسانی کربناتی آخرین دگرسانی رخ داده همراه سامانه تخت‌گنبد است، به طوری که بر سایر دگرسانی‌ها در بسیاری از بخش‌ها اثر گذاشته است. این دگرسانی با حضور کلسیت و دولومیت مشخص می‌شود (شکل ۴ ث). نکته قابل توجه حضور یا نبود حضور دگرسانی پتاسیک در این ذخیره است. نتایج پراش پرتو X (XRD) در یک تجزیه عمومی بیانگر حضور اورتوکلاز به عنوان یکی از کانی‌های دگرسانی پتاسیک [۲۱] در بخش‌های عمیق‌تر کانی‌سازی تخت‌گنبد است. با این حال، شناسایی نشدن اورتوکلاز و بیوتیت ثانویه در بررسی‌های میکروسکوپی وجود دگرسانی پتاسیک در این ذخیره را در حاله‌ای از ابهام می‌گذارد.

کانی‌سازی

کانی‌سازی درونزاد در منطقه تخت‌گنبد به طور عمده به صورت رگه-رگچه‌ای کوارتزی با ساخت و بافت داربستی رخ داده (شکل ۵ الف) که ناشی از تزریق چندمرحله‌ای محلول‌های گرمایی کانی‌ساز است. افزون بر این، رگه‌های سیلیسی با ضخامت گاهی تا ۱/۵ متر سایر رگه-رگچه‌های کوارتزی را قطع می‌نمایند و ظاهری از ساخت داربستی را در منطقه ذخیره نشان می‌دهند (شکل ۵ ب). از دیگر رگه-رگچه‌های شکل گرفته در ارتباط با سامانه گرمایی تخت‌گنبد می‌توان به رگه-رگچه‌های کربناتی (کلسیت و دولومیت) دربردارنده سولفید (کالکوپیریت) اشاره نمود (شکل ۵ پ) که آخرین نمود سیال‌های گرمایی در این سامانه کانی‌سازی هستند. ضخامت رگه-رگچه‌های کانی‌سازی شده، چه کوارتزی و چه کربناتی، از یک میلی‌متر تا چند سانتی‌متر متغیر است.

رگه-رگچه‌های کوارتزی در گستره پهنه دگرسانی فیلیک حضور دارند که با توجه به روابط پاراژنزی، می‌توان آنها را به ۳ نسل مجزا تقسیم نمود. این سه نسل عبارتند از (۱) رگچه‌های

کوارتز + مگنتیت \pm کالکوپیریت (شکل ۵ ت)، (۲) رگه-رگچه-های کوارتز + کالکوپیریت + پیریت \pm مگنتیت (شکل ۵ ث) و (۳) رگه-رگچه‌های کوارتز + پیریت + کالکوپیریت (شکل ۵ ج). افزون بر این، بر اساس بررسی‌های حسینی و همکاران [۲۲] مولیدنیت نیز به عنوان یکی از کانی‌های شاخص در رگه-رگچه‌های کوارتزی کانی‌سازی شده در این ذخیره معرفی شده است. این در حالی است که کانی مولیدنیت در این پژوهش دیده نشد. نسل‌های ۱، ۲ و ۳ رگه-رگچه‌های کوارتزی در کانی‌سازی تخت‌گنبد به ترتیب مشابه رگه-رگچه‌های نوع A، B و D معرفی شده در ذخایر پورفیری مس [۲۳، ۲۴] هستند. رگه‌های کوارتزی ضخیم (تا ۱/۵ متر) از دیگر پدیده‌های گرمایی در سامانه کانی‌سازی تخت‌گنبد هستند. این رگه‌ها پهنه‌های دگرسانی فیلیک و رگه-رگچه‌های کوارتزی را قطع نموده‌اند و در بخش‌هایی دربردارنده مس طبیعی همراه هستند (شکل ۶ الف). رخداد مس طبیعی به احتمال بسیار همزاد با رگه‌ها نبوده و ممکن است ناشی از فرآیندهای برونزاد بر کانی‌های سولفیدی اولیه مس از جمله کالکوپیریت باشد. حضور بافت و ساخت رگه-رگچه‌های داربستی، تشکیل رگه-رگچه‌های نوع A، B و D، تشکیل مگنتیت، کالکوپیریت و پیریت همزمان (حضور بافت درهم رشدی) با شکل‌گیری رگه-رگچه‌های کوارتزی که ویژگی‌های بارز ذخایر پورفیری هستند [۲۵-۲۸]، در سامانه کانی‌سازی تخت‌گنبد دیده می‌شوند.

از دیگر نمودهای کانی‌سازی در منطقه تخت‌گنبد می‌توان به کانی‌سازی به نسبت گسترده برونزاد اشاره نمود. از جمله آثار فرآیندهای برونزاد می‌توان به جانشینی هماتیت و گوتیت به جای کانی‌های سولفیدی آهن‌دار اولیه (شکل ۶ ب)، شکل‌گیری کربنات‌های مس (مالاکیت و آزوریت) و جانشینی سولفیدهای ثانویه مس مثل بونیت به جای کالکوپیریت اشاره کرد (شکل ۶ پ). با وجود حضور گسترده کانی‌های برونزاد در رخنمون‌های سطحی پهنه‌های کانه‌سازی شده درونزاد، وجود بقایای کانی‌های سولفیدی (کالکوپیریت و پیریت) اولیه به صورت جزایر احاطه شده با کانی‌های ثانویه برونزاد در منطقه کانی‌سازی برونزاد بیانگر نابالغ بودن کلاک آهنی (گوسان) در گستره کانی‌سازی تخت‌گنبد است.

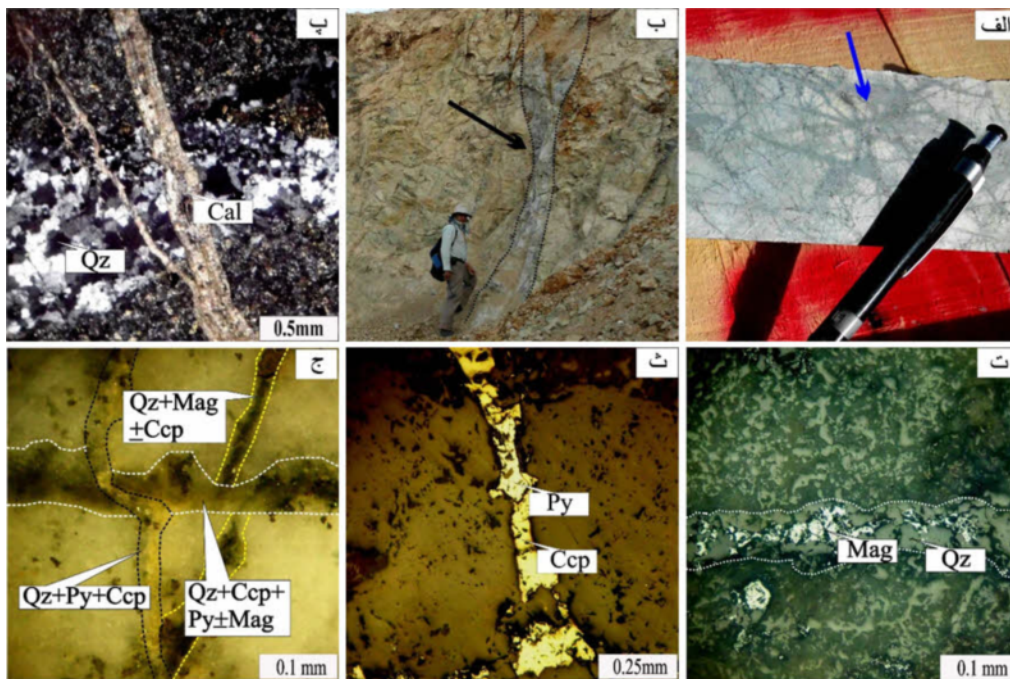
کانی‌های رسی از جمله کائولینیت از دیگر فرآورده‌های هوازدگی در منطقه برونزاد تخت‌گنبد بوده که ناشی از دگرسانی به جای سرسیست و ایلیت در پهنه دگرسانی فیلیک و

قلیایی خاکی از ساختار سریسیت و ایلیت شسته شده و به خارج از محیط واکنش منتقل می‌شوند. واکنش زیر بیانگر چگونگی تشکیل کائولینیت به جای سریسیت است [۲۰]:

$$KAl_3Si_3O_{10}(OH)_2 [Sericite] + H^+ + 1.5 H_2O \leftrightarrow 1.5 Al_2Si_2O_5(OH)_4 [Kaolinite] + K^+ \quad (1)$$

در شکل ۷، تجمعات کانیایی در ذخیره تخت‌گنبد نمایش داده شده است.

رسی گرمایی هستند. تشخیص کائولینیت بر اساس نتایج XRD صورت گرفته است. به واسطه فرآیندهای برونزاد، پیوند گوگرد و آهن در ساختار پیریت (فراوان‌ترین سولفید اولیه در پهنه دگرسانی فیلیک) شکسته می‌شود و گوگرد آزاد شده در ترکیب با اکسیژن و آب تشکیل اسید سولفوریک می‌دهد. اسید تولید شده طی این فرآیند عامل اصلی جانیشینی کائولینیت به جای سریسیت و ایلیت است. در این فرآیند، فلزات قلیایی و



شکل ۵ تصاویر میکروسکوپی، مژوسکوپیکی و صحرایی از انواع رگه-رگچه‌های کانه‌دار سامانه کانی‌سازی تخت‌گنبد: الف) رگه-رگچه‌های کانی‌سازی شده با بافت داربستی، ب) رگه‌های ضخیم کوارتزی در گستره گودال معدن، پ) قطع شدگی رگه‌های کوارتزی توسط رگه‌های کربناتی مرحله آخر، کلسیت (Cal) و کوارتز (Qz) (نور عبوری XPL)، ت) رگه-رگچه‌های کوارتز (Qz) + مگنتیت (Mag) ± کالکوپیریت (Ccp) (نور بازتابی PPL)، ث) رگه-رگچه‌های کوارتز (Qz) + کالکوپیریت (Ccp) ± مگنتیت (Mag) (نور بازتابی PPL) و ج) تقدم و تأخر رگه-رگچه‌های کوارتزی کانی‌سازی شده در سامانه کانی‌سازی تخت‌گنبد (نور بازتابی XPL). نشانه‌های اختصاری کانی‌ها برگرفته از مرجع [۱۹] هستند.



شکل ۶ تصاویر صحرایی از برونزدهای پهنه‌های کانه‌زایی: الف) کانی‌سازی مس طبیعی همراه با رگه‌های کوارتزی ضخیم در سامانه کانی‌سازی تخت‌گنبد. ب) منطقه اکسیدی (بیشتر هماتیت و گوتیت) در بخش‌های سطحی و کم عمق سامانه تخت‌گنبد، دید به سمت غرب و پ) کانی‌سازی ثانویه مالاکیت-آزوریت در نمونه‌های معدنی تخت‌گنبد.

کانی	سنگ میزبان	دگرگونی مجاورتی	مرحله درونزاد			مرحله پروژاد
			رگه - رگچه‌ای کوارتزی	رگه‌ای کوارتزی	رگه - رگچه‌ای کربناتی	
پلاژیوکلاز						
آمفیبول						
کوارتز			۲-۱، ۴-۲، ۴-۳			
اورتوکلاز						
بیوتیت						
پیروکسن						
گارنت						
زوئیزیت						
سربیسیت						
کلریت						
اپیدوت						
اپلیت						
کلسیت						
دولومیت						
مگنتیت						
کالکوپیریت						
پیریت						
مالاکیت						
آزوریت						
بوریت						
مس طبیعی						
هماتیت						
گوئیت						

شکل ۷ توالی پاراژنزی کانی‌های کانسنگی و باطله در سامانه کانی‌سازی تخت‌گنبد.

بررسی‌های ریزدماسنجی میانبارهای سیال

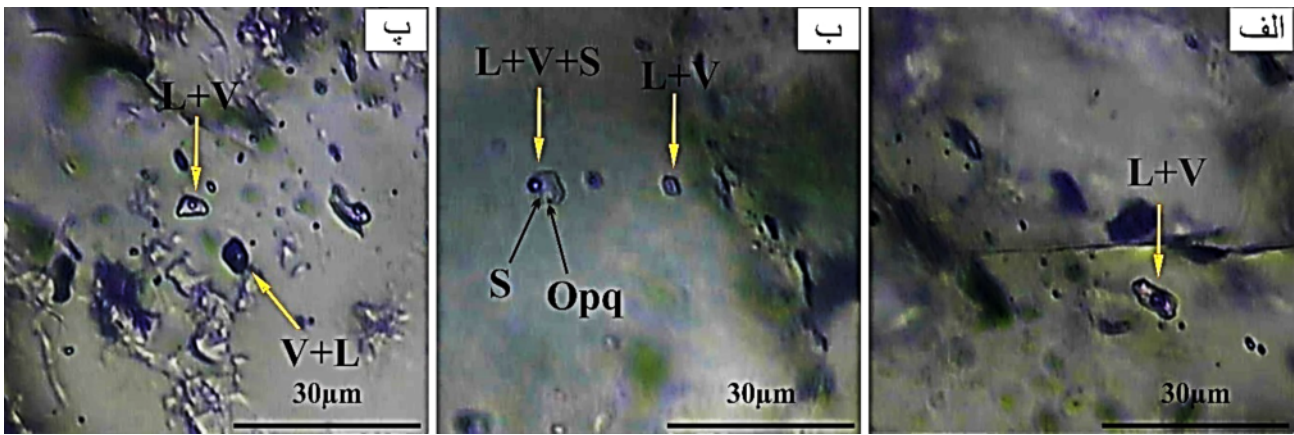
بررسی میانبارهای سیال امروزه به ابزاری قدرتمند برای تعیین شرایط تشکیل و نوع کانی‌سازی در سامانه‌های گرمایی از جمله ذخایر پورفیری و فراگرمایی تبدیل شده است [۲۸، ۲۹]. در این پژوهش، از بررسی میانبارهای سیال برای شناسایی نوع، درجه شوری و دمای سیال گرمایی در زمان کانی‌سازی استفاده گردید. برای بررسی میانبارهای سیال در سامانه کانی‌سازی مس تخت‌گنبد از رگه-رگچه‌های کوارتزی کانی‌سازی شده (نسل دوم) با بافت داربستی و رگه‌های ضخیم قطع کننده دگرسانی فلیک استفاده شد. رگه - رگچه‌های کوارتزی نسل دوم به علت ضخامت مناسب و شباهت با رگه - رگچه‌های نسل سوم برای ریزدماسنجی انتخاب شدند. از طرفی، ضخامت

بسیار کم رگه- رگچه‌های نسل اول مانعی برای بررسی دقیق میانبارهای این نسل است. دو مقطع دوبر صیقل از رگه-رگچه-های داربستی و دو مقطع دوبر صیقل از رگه‌های ضخیم کوارتزی (مرحله دوم درونزاد، شکل ۷) ریزدماسنجی شدند که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده‌اند.

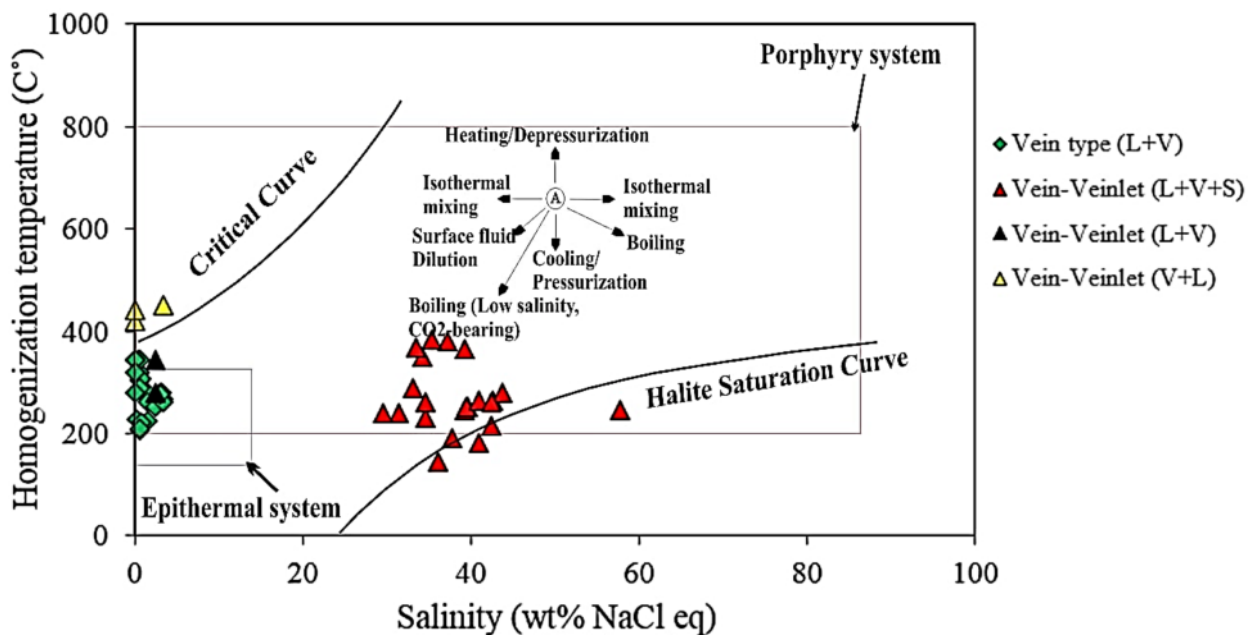
بر اساس بررسی‌های سنگ‌نگاری، میانبارهای سیال اولیه با میزبان کوارتز در رگه‌های کوارتزی ضخیم دارای اندازه‌هایی متغیر از ۵ تا ۱۵ میکرومتر بوده و از نوع اولیه (مایع - گاز) L+V هستند (شکل ۸ الف). این میانبارها اغلب دارای شکل-های چند وجهی نامنظم هستند. نبود فازهای نوزاد در این میانبارها بیانگر درجه شوری به نسبت پائین سیال‌های مسؤول کانه‌زایی در این رگه‌ها هستند [۳۰].

هالیت و کانی‌های تیره فراوانی کمتری دارد. حضور فراوان هالیت در میانبراهای بررسی شده بیانگر شوری بالا (بیش از ۳۰٪) سیال‌های کانی‌ساز در زمان تشکیل رگه-رگچه‌های داربستی کوارتزی است. میانبراهای $V+L$ و $L-V$ (شکل ۸ پ) نیز میانبراهای $L+V+S$ را همراهی می‌کنند. بر اساس بررسی‌های سنگ‌نگاری، این میانبراهای سیال بیشتر به صورت شکل-های منفی بلور کوارتز هستند (شکل ۸ ب).

میانبراهای بررسی شده در رگه-رگچه‌های کوارتزی داربستی نیز از نوع اولیه بوده و دارای اندازه‌هایی متغیر از ۶ تا ۱۸ میکرومتر هستند. براساس بررسی انجام شده در مرکز تحقیقات مواد معدنی کرج (ایمیدرو)، اغلب میانبراهای نوع مایع-گاز-جامد ($L+V+S$) بوده و دارای فازهای نوزاد هالیت (بلور مکعبی شکل درون میانبراهای) هستند (شکل ۸ ب). از دیگر فازهای نوزاد همراه با این میانبراهای می‌توان به سیلویت و کانی‌های تیره اشاره نمود (شکل ۹ ت). سیلویت در مقایسه با



شکل ۸ انواع میانبراهای سیال مورد بررسی در سامانه کانی‌سازی تخت‌گنبد: الف) میانبراهای مایع + گاز ($L+V$) در رگه‌های کوارتزی ضخیم، ب و پ) میانبراهای مایع + گاز + جامد ($L+V+S$)، مایع + گاز ($L+V$) و گاز + مایع تا گاز ($V+L$, V) در رگه-رگچه‌های کوارتزی داربستی کانه‌دار.



شکل ۹ توزیع میانبراهای سیال مورد بررسی در نمودار دو متغیره دمای همگنی نسبت به شوری [۲۹، ۳۱].

بر اساس نتایج ریزدماسنجی میانبارهای سیال رگه‌های کوارتزی ضخیم، دمای همگنی (Th) و دمای نخستین ذوب یخ (Te) آنها به ترتیب در گستره ۲۰۷ تا ۳۴۴ و ۲۱- تا ۳۰- درجه سانتی‌گراد قرار دارند. دمای آخرین ذوب یخ این میانبارها ۰/۲- تا ۲- درجه سانتی‌گراد بوده که معادل شوری ۰/۳۵ تا ۳/۳۹ درصد وزنی معادل نمک طعام است (جدول ۲). دمای همگنی به نسبت کم و شوری پایین (مشابه سامانه‌های فراگرمایی) می‌تواند در اثر ورود احتمالی سیال‌های جوی به سامانه گرمایی تخت‌گنبد در مراحل آخر تکامل آن باشد. بر این اساس، آمیختگی و کاهش دما را می‌توان به عنوان دو پدیده احتمالی تهنشست در مراحل آخر تکامل سامانه گرمایی تخت‌گنبد در نظر گرفت.

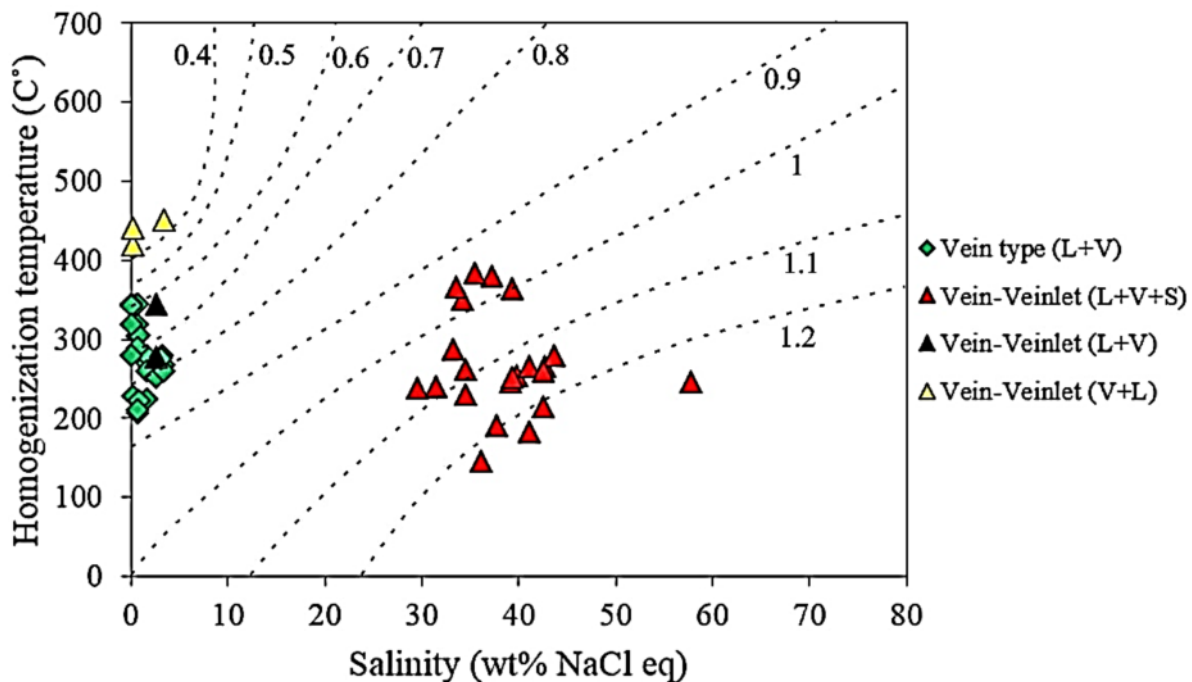
ریزدماسنجی میانبارهای سیال رگه- رگچه‌های داربستی کانی‌سازی شده در سامانه تخت‌گنبد نشان داده که دمای همگنی در گستره ۱۴۶ تا ۴۵۰ درجه سانتی‌گراد است. دمای همگنی انواع میانبارهای L+V، L+V+S و V+L به ترتیب در گستره‌های ۱۴۶ تا ۳۸۳، ۲۷۸ تا ۳۴۵ و ۴۲۰ تا ۴۵۰ درجه سانتی‌گراد متغیر است (جدول ۲). شوری بدست آمده با توجه به دمای آخرین ذوب یخ برای میانبارهای V+L حدود ۳/۳۹ درصد وزنی و برای میانبارهای L+V حدود ۲/۵۷ درصد وزنی معادل نمک طعام است (جدول ۲).

دمای انحلال‌هالیت در میانبارهای چندفازی L+V+S در گستره ۱۳۸ تا ۴۸۶ درجه سانتی‌گراد، معادل شوری ۲۹/۲ تا ۵۷/۸ درصد وزنی معادل نمک طعام است. با توجه به حضور هالیت و ثبت دمای انحلال آن، میزان شوری بر اساس آخرین دمای انحلال هالیت محاسبه گردید. در بسیاری از موارد، دمای همگنی میانبارهای چند فازی کمتر از دمای انحلال فاز جامد نمک است که می‌تواند بیانگر اشباع‌شدن احتمالی سیال و تشکیل بلورهای ریز هالیت پیش از به دام افتادن سیال باشد [۳۰]. چنین شوری بالایی طی حبس شدن سیال‌های گرمایی و همراهی انواع سیال‌های درگیر L+V، V+L، V و L+V+S احتمال رخداد پدیده جوشش به عنوان یکی از مهمترین عوامل تهنشست کانی‌های کانسنگی از سیال‌ها را تقویت می‌کند [۲۹، ۳۰]. از طرفی، همراهی میانبارهای چند فازی با شوری بالا با میانبارهای نوع L+V و V+L به ترتیب با همگنی به فاز مایع و بخار با شوری کم (گاهی تا نزدیک ۰/۳۵ درصد وزنی معادل نمک طعام) احتمال رخداد فرآیند جوشش در سامانه گرمایی

تخت‌گنبد را تقویت می‌نماید. به نظر می‌رسد که طی جوشش، سیال‌های کانی‌ساز فاز بخار جدا شده از سیال میانبارهای با شوری کم و از نوع V+L و L+V را تشکیل داده‌اند. این در حالی است که سیال باقی مانده از نظر شوری غنی شده است و میانبارهای نوع L+V+S از این سیال شور و با چگالی بالا شکل گرفته‌اند [۲۹، ۳۰].

توزیع فراوانی میانبارهای سیال مورد بررسی در رگه‌های کوارتزی ضخیم و رگه- رگچه‌های داربستی سامانه کانی‌سازی تخت‌گنبد بر نمودار شوری نسبت به دمای همگنی ارائه شده است (شکل ۹). بر اساس این نمودار، به نظر می‌رسد که آمیختگی و کاهش دما مهمترین عوامل اثرگذار در تهنشست رگه‌های کوارتزی ضخیم در مراحل آخر فرآیند کانی‌سازی در سامانه گرمایی تخت‌گنبد بوده‌اند. در واقع، به نظر می‌رسد که جوشش عامل مهمی در بی‌ثباتی کمپلکس‌های حمل‌کننده (از جمله کمپلکس‌های کلریدی) فلزات کانسنگی مثل مس بوده باشد. افزون بر این، حضور دو جمعیت مجزا از میانبارهای سیال از نظر شوری، احتمال رخداد پدیده جوشش را قوت می‌بخشد (شکل ۹). قرارگیری بعضی از میانبارهای سیال در گستره ابر اشباع هالیت (چنان که پیشتر نیز بیان شد) نشان دهنده تشکیل هالیت در سیال‌های کانی‌ساز در حال جوشش کمی پیش از به دام افتادن است [۳۰]. توزیع فراوانی دمای همگنی نسبت به شوری میانبارهای سیال بررسی شده نشان دهنده جای گرفتن سامانه گرمایی تخت‌گنبد در گستره ذخایر پورفیری و فراگرمایی است (شکل ۹).

بر اساس نمودار دومتغیره دمای همگنی نسبت به شوری [۳۱]، چگالی میانبارهای سیال بررسی شده در رگه- رگچه‌های کوارتزی داربستی کانه‌دار در گستره ۰/۹ تا بیش از ۱/۲ گرم بر سانتی‌متر مکعب و در رگه‌های ضخیم کوارتزی ۰/۵ تا ۰/۹ گرم بر سانتی‌متر مکعب است. چگالی بالا در میانبارهای سیال بررسی شده در رگه- رگچه‌های کوارتزی (شکل ۱۰)، گاهی بیش از ۱/۲ گرم بر سانتی‌متر مکعب (تشکیل هالیت پیش از به دام افتادن)، مربوط به شوری بالای سیال‌های کانی‌ساز و ناشی از رخداد جوشش در سیال‌های با خاستگاه ماگمایی است. چگالی پایین میانبارهای سیال بررسی شده در رگه‌های کوارتزی ضخیم (شکل ۱۰) می‌تواند در اثر آمیختگی آب‌های زیر زمینی با خاستگاه جوی با سیال‌های گرمایی ماگمایی در مراحل پایانی تکامل سامانه گرمایی تخت‌گنبد باشد.



شکل ۱۰ توزیع فراوانی یافته‌های میانبارهای سیال بررسی شده در سامانه کانی‌سازی مس تخت‌گنبد بر نمودار دو متغیره دمای همگنی نسبت به شوری همراه با تغییرات چگالی (خطوط نقطه چین) [۳۱].

برداشت

های گرمایی با خاستگاه بیشتر ماگمایی در گسترش رگه-رگچه‌های کوارتزی داربستی کانه‌دار است.

۴- حضور میانبارهای سیال غنی از مایع با شوری کم در رگه-های کوارتزی ضخیم می‌تواند بیانگر ورود سیال‌های جوی به سامانه کانی‌سازی مس تخت‌گنبد طی مراحل پایانی تکامل سامانه گرمایی باشد.

۵- بر اساس بررسی میانبارهای سیال، پدیده جوشش عامل شکل‌گیری رگه-رگچه‌های کوارتزی داربستی، و پدیده‌های آمیختگی و سردشدگی عوامل نهشت کانی‌های کانسنگی و باطله در رگه‌های کوارتزی ضخیم در سامانه کانی‌سازی مس تخت‌گنبد هستند.

۶- بر اساس شواهد نوع سنگ میزبان، دگرسانی، شکل کانی‌سازی، نوع کانه‌ها و ویژگی‌های سیال‌های مؤثر در کانی‌سازی، ذخیره مس تخت‌گنبد از نظر ویژگی‌های زمین‌شناسی و کانی‌سازی به سامانه‌های مس پورفیری شباهت دارد.

قدردانی

نگارندگان از حمایت‌های مالی معاونت پژوهشی دانشگاه ارومیه برخوردار بوده‌اند، که به این وسیله سپاس خود را از مسؤولین

۱- کانی‌سازی درونزاد و برونزاد مس تخت‌گنبد توسط توده میکروگرانودیوریت پورفیری الیگوسن- میوسن و واحدهای سنگی خروجی ائوسن از جمله توف و آگلومرا با ترکیب حدواسط با میان لایه‌هایی از واحدهای رسوبی تخریبی میزبانی می‌شوند.

۲- کانی‌سازی به ترتیب به صورت رگه-رگچه‌ای کوارتزی داربستی، رگه‌ای کوارتزی و رگه-رگچه‌ای کربناتی گسترش یافته است. رگه-رگچه‌های کوارتزی داربستی خود طی سه مرحله تشکیل شده‌اند که آنها را وابسته به هر یک از مراحل اول، دوم و سوم به ترتیب دربردارنده مجموعه کانی‌های کوارتز + مگنتیت ± کالکوپیریت، کوارتز + کالکوپیریت + پیریت + مگنتیت، و کوارتز + پیریت + کالکوپیریت هستند.

۳- گسترش بافت داربستی، حضور دگرسانی فیلیک، حضور میانبارهای سیال شامل فازهای جامد نمک طعام، سیلویت و کانی تیره همزاد با میانبارهای غنی از مایع و غنی از گاز، و شوری بالا در برخی از میانبارهای بررسی شده بیانگر اثر سیال-

Lalezar granite mass (Kerman province”, Iranian Journal of Crystallography and Mineralogy 26 (2019) 975-988.

[10] Salehi Tinooni M., Abedini A., Calagari A. A., “*Investigation of mineralization, REE geochemistry, and fluid inclusions studies of the Shalang vein-type polymetallic ore deposit, south of Kerman*”, Iranian Journal of Crystallography and Mineralogy 274 (2019) 767-780.

[11] Nedimovic R., “*Exploration for ore deposits in Kerman Region*”, Geological Survey of Iran, Report No.53 (1973) 1-274.

[12] Ghorbani M., “*The economic geology in Iran: Mineral deposits and natural resources*”, Springer Science Business Media, Dordrecht (2013) 1-581.

[13] Mining Company of Zamin Pajouhan., quot, “*Geological map of the Takht-e Gonbad copper deposit, Sirjan, scale 1:1000*”, Internal Reports (2010) 1-180 (in Persian).

[14] Sirjan Takht-e-Gonbad Copper Company., “*Report of geological map of the Takht-e-Gonbad district mine*”, (2010) 1-102 (in Persian).

[15] Khan-Nazer N. H., “*Geological map of the Chahar-Ghonbad (1:100000 scale)*”, Geological Survey of Iran (1994).

[16] Dimitrijevic M. D., “*geological map of the Chahar Gonbad (1:100000 scale)*”, Geological Survey of Iran (1973).

[17] Fazlnia A., “*Petrography and petrology of the Chahar-Ghonbad intrusive masses*”, MSc Thesis, University of Shahid Bahonar, Kerman, Iran (2000) 1-180 (in Persian).

[18] Anssary A. H., Sheikh Zakariaii S. J., Dargahi S., Arvin M., “*Petrology and Geochemical properties of the Granitoid Complex of the Chahar-Gonbad, Southeast Iran*”, Open Journal of Geology 7 (2017) 847-858.

[19] Whitney D. W., Evans B. W., “*Abbreviations for names of rock forming minerals*”, American Mineralogist 95 (2010) 185-187.

[20] Shahabpour J., “*Economic Geology*”, Publications of Shahid Bahonar University of the Kerman (2005) 1-544 (in Persian).

[21] Watanabe Y., Sato R., Sulaksono A., “*Role of potassic alteration for porphyry cu mineralization: Implication for the absence of porphyry Cu deposits in Japan*”, Resource Geology 68 (2018) 195-207.

اعلام می‌دارند. نگارندگان همچنین، از نظرات و پیشنهادات سازنده داوران محترم مجله سپاسگزاری می‌نمایند.

مراجع

[1] Shafiei B., “*Two distinct occurrences in Palaeogene magmatic of Cenozoic magmatic arc of the Kerman: Geochemical characteristics and rock-forming processes*”, Journal of Sciences, University of Tehran 36 (2010) 137-156 (in Persian).

[2] Naimi-Ghasabian N., Khatib M. M., Nazari H., Heyhat M. R., “*Present- day tectonic regime and stress patterns from the formal inversion of focal mechanism data, in the North of Central- East Iran blocks*”, Journal of African Earth Sciences 111 (2015) 113-126.

[3] Stocklin J., “*Structural history and tectonic of Iran: A review*”, American Association of Petroleum Geologists Bulletin USA 52 (1968) 1229-1258.

[4] Dimitrijevic M. D., “*1:100000 geological map of the Chahar Gonbad*”, Geological Survey of Iran (1973).

[5] Atapour H., Aftabi A., “*Geochemistry and metallogeny of calc-alkaline, shoshonitic and adakitic igneous rocks associated with porphyry Cu-Mo and vein type deposits of Dehaj-Sarduieh volcano-plutonic belt, Kerman*”, Geosciences 18 (2009) 161-172.

[6] Behpour S., Moradian A., Ahmadipour H., “*Application of amphibole and plagioclas mineral chemistry for studing of Jebal-E-Barez granitoid genesis and geothermobarometry (Kerman province, Bam)*”, Iranian Journal of Crystallography and Mineralogy 26 (2018) 751-766.

[7] Salehinejad H., Ahmadipour H., Moeinzadeh H., Moradian A., “*Using mineral chemistry for determination of crystalization conditions and tectonic setting of diabasic intrusive rocks from Deh-Zahir area (west of rafsanjan)*”, Iranian Journal of Crystallography and Mineralogy 27 (2019) 809-820.

[8] Aghanabati S.A., “*Geology of Iran*”, Geological Survey of Iran (2004) 1-606 (in Persian).

[9] Ahmadi S., Tahmasbi Z., Ahmadi Khalaji A., Zal F., “*Mineral chemistry of tourmaline in*

Economic Geology 100th Anniversary Volume (2005) 251-298.

[27] U. S. Geological Survey., "Preliminary model of porphyry copper deposits", Open File Report 1321 (2008) 1-62.

[28] Pirajno F., "Hydrothermal processes and mineral systems", Springer (2009) 1-1243.

[29] Wilkinson J. J., "Fluid inclusion in hydrothermal ore deposits", Lithos 55 (2001) 229-272.

[30] Shapherd T. J., Rankin A. H., Alderton D. H. M., "A practical guide to fluid inclusion studies", Blackie, Glasgow (1985) 1-239.

[31] Roedder E., Bodnar R. J., "Geologic pressure determinations from fluid inclusions studies", Earth and Planetary Science Letters 8 (1980) 263-301.

[22] Hosseini M., Ghaderi M., Alirezaei S., "Types of vein-veinlet systems and their relationship with mineralization in the Takht-e-Gonbad ore deposit, northeast of Sirjan", 15th Symposium of Iranian Geological Association, Teacher Training University of Tehran (2011).

[23] Sillitoe R. H., "Porphyry copper systems", Economic Geology 105 (2010) 3-41.

[24] Gustafson L. B., Hunt J. P., "The porphyry copper deposit at El Salvador, Chile", Economic Geology 70 (1975) 857-912.

[25] Robb L. J., "Introduction to ore-forming processes", Blackwell Publishing (2005) 1-373.

[26] Seedorff E., Dilles J. H., Proffett J. M., Einaudi M. T., Zurcher L., Stavast W. J. A., Johnson D.A., Barton M.D., "Porphyry deposits: Characteristics and origin of hypogene features",